



عنوان مقاله:
تحلیلی بر خطبه هشتاد نهج البلاغه (۱)
فاطمه علائی رحمانی

متن مقاله:

متن مقاله:

دیدگاه کلی صاحب نظران پیرامون خطبه (80) «فی ذم النساء»

صاحب نظران در مورد این خطبه نظرات متفاوتی داده اند از جمله اینکه:

1- این خطبه، گر چه خطابش عام است ولی اشاره به مورد خاص و شخص معین است، چنانکه در زمان خاص که همان بعد از به پایان رسیدن جنگ جمل بوده است، امیرالمؤمنین(ع) این خطبه را ایراد فرموده اند وحتی سخن مزبور را با این ترتیب ترجمه کرده اند که: ای مردم، جمعی از زنان هم از نظر ایمان، هم از جهت بهره، هم از موهبت عقل در رتبه ای کمتر از مردان قرار دارند... (1) و توضیح داده اند که سخن امام ناظر به برخی از زنان بد و فتنه انگیز است و یک قانون کلی همگانی برای زنان نیست. به عبارت دیگر: این ستایش ها و نکوهشها، موضعی و مقطعی است و از باب قضیه خارجی است نه حقیقیه و به عبارت دیگر ناظر به شخص عایشه است نه کلیت آن. (2)

ابن ابی الحدید که یکی از شارحان سنی مذهب نهج البلاغه است، خطاب این خطبه را منحصرأً به عایشه، اعلام می دارد، چنانکه شرح آن را با این جمله شروع نموده: «هذا الفصل كله، رمز الي عایشه»، و سپس به افشاگری و اثبات مخالفت عایشه با علی(ع) پرداخته است.

2- استاد محمد تقی جعفری، درباره این خطبه فرموده است:

ما در این مباحث، شواهد و دلایل کافی داریم که مقصود امیرالمؤمنین نقص واقعی ایمان و عقل به طور عموم و نقص سهم الارث به طور کلی نمی باشد زیرا نسبت چنین نقصهایی به زنان، مخالف قرآن است. لذا می توان گفت که علی(ع) برای توضیح و تفسیر موقعیت زنان و آگاه ساختن آنان از یکی از زنها پیامبر که با دستپارگی طلحه و زبیر، غایله جنگ جمل را برپا نمود و به جنگهای صفین که موجب اغتشاشات جوامع اسلامی شد، متصل کرد، اشاره نموده است. (11،300).

ولی این توجیها نمی تواند درست باشد زیرا حیض شدن زن و محروم شدن او از نماز و روزه در ایام حیض و نصف بودن سهم الارث و نصف بودن شهادت او که در این سخن دلیل نقصان عقل و دین و بهره قرار گرفته، اختصاص به زنان شرور و فاسد ندارد.

3- برخی گفته اند: این خطبه، اشاره به مختصات روبنایی زن است و در قرآن حتی یک

آیه هم وجود ندارد که در دو موضوع عقل و ایمان، مردها را بر زنا یا بالعکس، زنان را بر مردان، ترجیح دهد.

4- برخی، این قضیه را چنان جدی گرفته اند که تلاش می کنند هر جمله ای را با شاهد و بینه و قول سقراط و علم روانشناسی و غیره ثابت نمایند که مردان در عقل و ایمان، برآنان ترجیح دارند در صورتی که علی(ع) در نامه خود به حضرت مجتبی(ع) فرموده اند:

«مبادا بی جا غیرت نشان دهی و زن بی گناهی را جابرانه زیر شلاق ملامت و توبیخ کنی که این خود، زنان پاکول را به فاسد می کشد...».(3)

پیغمبر(ص) و علی(ع) زنان را از دست مردان شر و قصی القلب نجات داده و از ذلت جاهلیت رهایی دادند.

لذا کسی که این سخنان را وسیله سرزنش نمودن به مردم قرار دهد نه تنها به مردم ظلم نموده بلکه با شخص علی(ع) مخالفت کرده است. زیرا بدیهی است که سرزنشهای ناروا، مانع رشد روحی و فکر انسان می شود و یک زن مایوس از دین و خدا، چگونه می تواند برای خود و جامعه و خانه و شوهر و فرزند خود، فرد مفیدی باشد؟ چگونه می تواند از حیثیت خانه و مملکت خود دفاع کند؟

5- برخی این قضایا را از نوع قضایای عام دانسته اند که قابل تخصیص می باشد. آنان می گویند: آیا عبارات مذکور همه جا بر ظهور و عموم خودشان باقی هستند به قسمتی که در هیچ موردی تخصیص نخورده اند؟ یعنی اگر زنانی امر و معروف و نهی از منکر نمودند چون امر و ناهی زن است، نباید از او اطاعت کرد و باید همچنان به راه منکر و ترک معروف ادامه دهد؟ پس در پاسخ می گویند: منظور، بعضی از زنان هستند که تربیت اسلامی نیافته و خود را با موازین آن تطبیق نداده اند. به عبارت دیگر: منظور، زنان تربیت نیافته ای است که مطابق روشهای اسلام ساخته نشده اند نه اینکه منظور کل زنان باشد. دلیل این مدعا، عمومات حاکم و اصول کلیه مسلمة در اسلام است و گرنه همان زمان که حضرت علی(ع) این سخنان را ایراد می فرمود (بر فرض صدور از حضرت) خود امیرالمؤمنین(ع) زنی مانند حضرت زهرا(س) در خانه داشت و به فضائل و مکارم اخلاقی او واقف بود و هم زنان دیگری بودند که دارای فضایل اخلاقی و کمالات انسانی بودند.

انسانهای صالح و شایسته همه مورد عنایت رسول اکرم(ص) و ائمه عنایت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) بوده اند به ویژه زنان صالحه که رسول خدا(ص) در مقام

تمجید و تکریم آنها فرمود: «حب الی من دنیاکم ثلاثه» از دنیای شما سه چیز مورد عنایت و علاقه من قرار دارد که یکی از آنها زنانند. زانی را که شخص پیغمبر این گونه می ستاید که مورد علاقه و لطف او هستند چگونه علی(ع) برخلاف پیغمبر(ص) به نکوهش و سرزنش آنها می پردازد؟ از اینجا معلوم می شود که نه فرمایش حضرت رسول(ص) عمومیت دارد و نه فرمایش حضرت امیر(ع).

زیرا منظور حضرت رسول(ص) قطعاً زنان صالحه و متدینه بوده است و منظور حضرت امیر(ع) هم زنان غیرصالحه و غیر متدینه. مگر نه این است که ائمه(ع) فرموده اند: «اکثر الخیرات فی النساء». سرچشمه منشأ اکثر خیرات زنانند.(4)

و نیز خودشان فرموده اند:

«المرأة الصالحة خیر من الف رجل غیر صالح» یک زن شایسته از هزار مرد ناصالح برتر است.

آیا منظور از عبارتی که می گوید: «و لا تطیعوهن فی المعروف»، نهی از پیروی در کار نیک است؟ و این امری خردمندانه است؟ یا اینکه ادله امر به معروف و نظایر آن براین گونه روایات و ظواهر حاکم اند؟ اگر ادله خاصه براین گونه روایت حاکم باشند و این موجب تخصیص آنها بشوند، در این صورت آیا غیر از موارد نادره ای که احیاناً مربوط به بعضی از امور شخصی و مسائل خانوادگی که بین زن و شوهر پیش می آید، موردی باقی خواهد ماند؟

اگر عمومات قرآن مانند:

«الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات» که فراگیر و تمام مشمولند و فرقی بین زن و مرد نمی گذارند به عمومات این روایت حاکم باشند، آیا غیر از افراد فاقد شرایط، مورد دیگری برای آن در عینیت جامعه پیدا خواهد شد؟ و اگر عمومات مذکور در قرآن، حاکم نباشند و یا موجب تخصیص این گونه روایات نشوند، در این صورت عموم اینها مغایر با قرآن و مغایر با اصول کلیه مسلمة نخواهد بود که فرقی بین زن و مرد نمی گذارد؟ بنابراین اگر روایت از معصوم صادر شده باشد، آیا می توان به طور عموم گفت: در هیچ یک از امور نباید از آنها حرف شنوایی داشت و همه آنها مایه فساد و تباهی اند؟ و همه نافرمان و بی تقوا و ناپایدار و بی وفایند؟ اگر این سخن فراگیر و عام باشد پس وضع آن همه زنان صالحه که در اسلام و در زمان شخص رسول خدا(ص) و سایر معصومین(ع) بوده، چه خواهد شد؟ آیا آنها هم مشمول همین مفاهیم خواهند بود؟ اگر آنها مستثنی هستند پس ظاهر این حدیث مراد نیست، زیرا که، چگونه ممکن

است امام(ع) به طور عام همه زنان صالحه و غیر صالحه را یکسان مورد نکوهش قرار دهد؟(5)

با توجه به آنچه اشاره شد یا روایت از مقام عصمت صادر نشده است، همچنانکه سند آن خالی از اشکال نبوده و دارای شفافیت لازم نبود (که در بحث از سند خطبه مزبور بدان اشاره کردیم) یا اگر صدور آن درست باشد تسرع در پذیرش دلالت آن وجهی ندارد.

زیرا که:

1- پاره ای از فرازهای آن مانند «نقصان عقل زنان» مخالف قرآن است. چون در قرآن، سبب نابرابری زن و مرد، در شهادت «نسیان» معرفی شده و نه «نقص عقل».

2- در قرآن حتی یک آیه هم وجود ندارد که در دو موضوع عقل و ایمان، مردان را بر زنان یا بالعکس زنان را بر مردان، ترجیح دهد.

3- مضمون آن، خلاف بداهت عقل است.

4- موضوع و معمول این حدیث، ظاهراً سازگاری چندانی با هم ندارد. چنانچه در مباحث قبلی بدان اشاره نمودیم و به عنوان مثال گفتیم: آیا قصر نماز و افطار روزه در هنگام مسافرت، نشان دهنده جنبه های دینداری ماست یا نقص دین ما؟ و آیا مسائلی این چنین عدم سازگاری موضوع و معمول را نمی رساند؟

5- وجود زنان عاقل و اندیشمند و پذیرش چنین امکانی در احادیث، نوعی معارضه را با این گونه روایات نشان می دهد.

لذا در صورت پذیرش این گونه احادیث (علیرغم خدشه در سند و دلالت آنها) بایستی گفت: منظور امام(ع) زنان، به طور عام نمی باشد و زنان شایسته و تربیت شده اسلامی خارج از این عموم خواهند بود.

کتابنامه:

1- امامی، محمد جعفر و آشتیانی محمد رضا، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، ترجمه و شرح نهج البلاغه چاپ ششم، قم، انتشارات مطبوعاتی هدف، بی تا.

2- آیت اللهی، زهرا، «آیا عقل ما زنان ناقص است» ماهنامه پیام زن، ش 97، فروردین 1379ش.

3- جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371ش.

- 4- جوادي آملی، عبدالله زن در آینه جمال و جلال، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1369 ش.
- 5- حسین تهرانی، سید محمد حسین، رساله بدیعه، چاپ اول، انتشارات حکمت، 1404 ه.ق.
- 7- شهید ثانی، زین الدین، الدوایه قم، منشورات مکتبه المفید (افست نجف).
- 8 - شمس الدین، شیخ مهدی، مسائل حرجه فی فقه المرأة (اهلیه المرأة لتولی السلطه)، بیروت المؤسسة الدولیه لدراسات و النشر، (1996).
- 9- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ تهران، 1376.
- 10- عابدی، محسن، حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، چاپ اول، تهران، انتشارات بعثت 1376 ش.
- 11- علایی رحمانی، فاطمه، زن از دیدگاه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1369 ش.
- 12- فضل الله، محمد حسین، قرآه جدیده لفقه المرأة الحقوقی، لبنان، مرکز شوون العمل النسوی.
- 13- فقهی زاده، عبدالهادی، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، تهران، نشر میزان و نشر دادگستر 1378 ش.
- 14- فهیم کرمانی، مرتضی، زن و پیام آوری، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371 ش.
- 15- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی به تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1363 ه. ش.
- 16- مجلسی، مولی محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء القداث العربی، 1403 ه.ق.
- 17- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1353 ش.
- 18- همان، «زن و گواهی»، ماهنامه پیام زن، ش 7، مهر 1371.
- 19- مؤمنی، عابدین، «تأملی در لزوم مرد بودن قاضی و نقد ادله آن»، مجله مقالات و بررسی ها، دفتر 63، 1419 ه.ق-1377 ه. ش.
- 20- مهرپور، حسین، مباحثی از حقوق زن، چاپ اول، تهران، مؤسسه اطلاعات، 1379 ش.

- 21- مهریزی، مهدی، تأملی در احادیث نقصان عقل زن «فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، ش4، تابستان 1376ش.
- 22- همایونی، علویه، زن مظهر خلاقیت الله چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی، 1377.

منابع و مراجع:

- 1- آیت الله مکارم شیرازی، ج1، ص179 و 389.
- 2- جوادی آملی، 367.
- 3- مشکینی، الزواج فی الاسلام، 137.
- 4- حر عاملی، 11، 14ح11.
- 5- فهیم کرمانی، 80-82.

منبع: www.shiastudies.net